دریچه

مخاطب «بوش» کیست

محمدعلی عسگری

■ «جورج بوش» رییس‌جمهور آمریکا می‌گوید واشنگتن نباید انقلاب‌های عربی را به حال خود رها کند. بلکه باید با کمک به اصلاح‌طلبان در خاورمیانه و شمال آفریقا شتافته و اجازه ندهد این موج انقلابی که اکنون در برابر عمل شاقی برای ساخت جوامعی دموکراتیک قرار گرفته است، فروکش کند. وی دولت آمریکا را به این کار تشویق کرده و می‌گوید: آمریکا نباید از گسترش آزادی بهراسد حتی اگر نداند کشورهایی که به تازگی آزاد شده‌اند، چه سیاستی را دنبال خواهند کرد. وی در نهایت این پرسش را درمیان می‌گذارد که: اگر آمریکا از توسعه نهادهای دموکراتیک و ارزش‌های آن در این کشورها حمایت نکند پس چه کسی این کار را خواهد کرد؟

کسانی که روند تحولات اخیر در کشورهای عربی را دنبال می‌کنند به خوبی می‌دانند از چند ماه پیش و با ورود آمریکا به فضای انتخابات ریاست‌جمهوری تقریبا دولت «باراک اوباما» - که اساسا ید طولایی در به تعویق انداختن همه امور دارد – نسبت به سرنوشت انقلاب‌های عربی کاملا بی‌توجه شده است. سایه این بی‌توجهی هم اکنون بر بحران‌هایی نظیر افغانستان، سوریه، عراق، فلسطین، مصر و برخی کشورهای شمال آفریقا قابل مشاهده است. این مساله گرچه از یک سو نشان از میزان تاثیرگذاری آمریکا بر تحولات جهانی به‌ویژه در حوزه خاورمیانه و شمال آفریقا دارد اما از سوی دیگر حاکی از همان برداشت طبیعی و درستی است که می‌گوید مسایل داخلی آمریکا تحت هر شرایطی بر رویکردهای خارجی این دولت رجحان داشته و خواهد داشت. بخشی از همین بی‌توجهی است که اکنون جورج بوش از آن سخن می‌گوید اما مگر خود او کیست و با آن طرح معروف خاورمیانه جدیدش چه کرد؟

همگان به خاطر دارند که در بحبوحه جنگ با تروریسم، «کالین پاول» نخستین وزیر خارجه بوش پسر طرحی موسوم به «خاورمیانه جدید» را ارایه داد. طرحی که ازاساس خواستار زمینه‌سازی برای ایجاد نهادهای دموکراتیک و توسعه فضای باز سیاسی در کشورهای خاورمیانه بود. اما باوجود همه خوش‌بینی و امیدهایی که این طرح برانگیخته بود، مخالفت سران کشورهای عربستان و مصر موجب شد تا جورج بوش به کلی طرح مذکور را به طاق نسیان سپرده و در عوض ایجاد تغییرات دموکراتیک در کشورهای عربی شانه به شانه «امیرعبدالله» در ریاض به رقص شمشیر بپردازد.

خمیرمایه کلی طرح خاورمیانه جدید آن بود که می‌گفت دلیل اصلی روی آوردن جوانان عرب به موجی از تروریسم، تحقیر تاریخی آنان و محرومیت‌های مضاعفی است که طی قرن‌ها حاکمیت رژیم‌های استبدادی شکل گرفته و در واکنش به آن ستم‌ها و محرومیت‌ها این گرایش‌های افراطی به اشکال گوناگون بروز می‌کند. بنابراین به اعتقاد تهیه‌کنندگان آن طرح – که بخش عمده آن توسط روشنفکران عرب تهیه شده بود – برای از بین بردن ریشه‌های تروریسم باید قبل از هرچیز به بازسازی و دموکراتیزه کردن این جوامع روی آورد. امری بدیهی که جورج بوش و به‌خصوص مشاوران برجسته‌اش از جمله «پل ولفوویتز» آن را می‌دانستند و شعارش را می‌دادند اما زمانی که منافع آمریکا به خطر افتاد، دیدیم که با یک چرخش ۱۸۰ درجه‌ای کاملا از آن صرف‌نظر شد.

بیهوده نیست که از یک قرن پیش تاکنون روشنفکران مسلمان و عرب و به ویژه اصلاح‌طلبان این جوامع نمی‌توانند به سیاست‌های آمریکا اعتماد کنند. البته شاید توقع بی‌جایی باشد که مردمانی از کشوری بخواهند آنها را برای دست یافتن به دموکراسی یاری دهد. زیرا هر کشوری برای دست یافتن به خوشبختی و سعادت باید آستین همت بالا زده و خود دست به کار شود. وانگهی این کاملا طبیعی است که سیاستمداران هر کشوری در درجه نخست باید به منافع ملی کشورشان توجه کنند. مشکل اما اینجاست که آمریکا خود را در جایگاه یک منجی می‌نشاند و آن وقت در نیمه راه کسانی را که دست یاری به سویش دراز کرده‌اند به حال خود رها می‌کند. یک‌بار دیگر به حرف‌های جورج بوش توجه کنید: «اگر آمریکا... پس چه کسی این کار را خواهد کرد؟» همین تصورات است که آن توقعات واهی و سپس ناکامی‌های تاریخی را به وجود می‌آورد.

از این رو بسیاری نتیجه می‌گیرند که: بزرگ‌ترین اشتباهات کشورهای خاورمیانه از سال‌ها پیش همین انتظارات بیهوده از غرب و به ویژه آمریکا بوده است. آنها در ادامه این استدلال به مساله فلسطین اشاره می‌کنند و می‌گویند مصیبتی را که امروزه فلسطینی‌ها پس از ۶۴ سال اشغال سرزمین‌شان تجربه می‌کنند یک نمونه تلخ و حاصل همین رویکرد است. ادامه چنین استدلالی البته نوعی دشمنی با غرب است و در نهایت سر از همان شعارها و سیاست‌هایی درمی‌آورد که امثال طالبان، القاعده، صدام حسین و سرهنگ معمر قذافی آنها را آزموده و نتیجه‌اش را نیز همگان مشاهده کردند.

دست‌کم تجربه نیم قرن گذشته باید نشان داده باشد که از این دشمنی‌ها و دوستی‌ها برای ملتی آبی گرم نمی‌شود. بنابراین بهتر است به تاسی از برخی کشورهای آسیای جنوب شرقی و آمریکای لاتین به دور از این حب و بغض‌ها راه دیگری را تجربه کرد. راهی که تنها با اتکا بر خود و بدون دشمنی با جهان بتوان در آن از همه امکانات داخلی و خارجی بهره‌مندی هوشمندانه کرد تا به پیشرفت دست یافت.

نکته آخر اینکه باید دانست حرفی را که امروز جورج بوش می‌زند مصرفی کاملا داخلی دارد و بیهوده نباید کسی را ذوق زده کند. اگر کسی به انتهای این خبر در سایت‌ها نگاهی کوتاه بیندازد، درخواهد یافت که جورج بوش همین حرف‌ها را در کنفرانسی زده است که به صراحت می‌خواهد از «میت رامنی» به عنوان نامزد مطرح جمهوری‌خواهان در برابر باراک اوباما دفاع کند.

عکس: AP

پشت‌پرده‌های «پیونگ‌یانگ»

■ روایت زندگی مردم کره‌شمالی در حکومت خاندان «کیم»

ترجمه: محمدعلی فیروزآبادی

طرفداران فلسفه «یوچه» از ۴۷ کشور جهان به اینجا آمده‌اند. این افراد که تعدادشان ۴۰۰ و حداکثر ۵۰۰ نفر است، آخرین طرفداران ایده‌ای به شمار می‌آیند که زمانی قرار بود برای دنیا خوشبختی و رفاه بیاورد. این افراد می‌خواهند با چشمان خود این موفقیت‌ها را ببینند و قهرمان خود را ستایش کنند. «کیم ایل سونگ» بنیان‌گذار و «رییس‌جمهور ابدی» این کشور هنوز کمونیستی، مبتکر این فلسفه سعادت جهانی بود و جشن سالروز یک‌صدسالگی او نیز باید در چارچوب یک ستایش و عبادت برگزار می‌شد.

«کیم ایل سونگ» در رساله خود به نام «تغییر جهان» همچنان اصول کمونیسم جهانی را به مردم گوشزد کرده و فرمول «انسان برتر از هر چیز دیگر» را ارایه می‌دهد. فلسفه دولتی «یوچه» کم و بیش به معنای «اتکا به خود» است. به این‌ترتیب بود که جانشین کیم یعنی «کیم جونگ ایل» نیز در دسامبر گذشته درگذشت و حال نوه او یعنی «کیم جونگ اون» هم همان شعار را تکرار می‌کند که برپایه آن تا قبل از جشن تولد صدسالگی کیم ایل سونگ کشور کره‌شمالی باید از «مرزهای یک کشور در حال توسعه» گذر کرده باشد. ساخت آن یک‌صدهزار دستگاه آپارتمان نیز نشانه‌ای است از حرکت پیوسته این کشور به سوی مدرنیته!

این روزها دیدارکنندگانی که در معیت آن جوانان طرفدار یوچه و دوستداران کره‌شمالی تحت تدابیر شدید امنیتی از این کشور دیدار می‌کنند، شاهد رویدادی در پایتخت هستند: املاک استیجاری جدیدی که بین ۱۲ تا ۱۵ طبقه ارتفاع دارند در کنار آسمانخراش‌هایی سربرآورده‌اند که در نگاه اول زیبا و آوانگارد می‌نماید.

اما این کاری بس دشوار بود. به گزارش یکی از فرستادگان اتحادیه اروپا در پیونگ‌یانگ، دولت این کشور در نهایت بی‌ملاحظگی طرح خود را پیش برد و برای ساختن این ساختمان‌ها، ساکنان آن آپارتمان‌های قدیمی به صورت جمعی از خانه‌های خود بیرون رانده شدند. نیروهای دولتی در عرض یک آخر هفته یک محله کامل از آن خانه‌های چهارطبقه واقع در ساحل تائدونگ (که بهترین قسمت پیونگ‌یانگ به شمار می‌آید) را با خاک یکسان کرده و در عرض یک‌روز ساکنان آن را همراه با مختصر اثاثیه‌شان سوار بر کامیون‌های ارتشی کرده و نزد اقوام و آشنایان‌شان بردند. و حال درست در همان محل برای معدود دیدارکنندگان از این کشور هتل بین‌المللی «یانگ گاکدو» ساخته شده است. این هتل در واقع دو آسمانخراش آبی‌رنگ است. در نگاه اول به نظر می‌آید که پیونگ‌یانگ با چنین هتل و منظره‌ای که در اختیار میهمانانش گذاشته است در واقع می‌خواهد همه آن گزارش‌های منفی در مورد فقر و فلاکت در این کشور کمونیستی قرون وسطایی را خنثی کند.

اما جالب اینجاست که تا به امروز هیچ دیپلمات خارجی امکان ورود و دیدار از این هتل و مستغلات را نداشته است. با این حال تنها با یک نگاه به آن دهکده‌های کوچک همه ادعاها در مورد موفقیت‌های این «ملت سختکوش» نقش بر آب می‌شود. در این دهکده‌های جدید که غالبا خالی از سکنه و بیشتر شبیه به غار هستند، خبری از برق و آب نیست. وضعیت تامین برق در زمستان گذشته بدتر از سال پیش بود و به گزارش ناظران خارجی مردم در ماه‌های سرد سال اجاق‌های کوچک و دست‌ساز خود را با چوب گرم می‌کردند.

در طبقات بالایی این آپارتمان‌ها هم غالبا به دلیل فشار پایین از آب جاری خبری نیست. به همین دلیل سکنه از شیرهای تعبیه شده در خیابان‌ها یا از نهرهای کثیف آب مورد نیاز خود را با سطل به درون خانه‌ها می‌برند.

اما در خلال جشن‌های سالروز تولد کیم ایل سونگ ناگهان توربین‌ها شروع به کار کرده و همه جای پیونگ‌یانگ از ایستگاه مرکزی راه‌آهن گرفته تا بناهای یادبود و پیاده‌روها غرق در نور شد. در میدان مرکزی شهر هم به ناگاه یک تلویزیون ال‌سی‌دی بزرگ سر برآورد. اما در همان حال که این نورافشانی دیدارکنندگان را فریب می‌داد، حوالی آخر شب سراسر شهر در تاریکی فرو رفت و حتی یک چراغ هم در خیابان‌ها روشن نبود.

رژیم کره‌شمالی برای شیرین کردن جشن‌های سالروز سه روز تعطیل عمومی اعلام و اقدام به توزیع مواد غذایی رایگان کرد. در محیط‌های اداری برخلاف همیشه با سیب و بادام زمینی از کارمندان و کارگران پذیرایی شد و مردم برای دریافت آب‌نبات و بادام زمینی صف‌های طولانی بستند. البته بادام زمینی یکی از سنت‌های جشن‌های پیونگ‌یانگ محسوب می‌شود. اگرچه کارشناسان خارجی وضعیت امروز را بهتر از دوران قحطی سال‌های دهه ۹۰ می‌دانند اما تهیه مواد غذایی در کره‌شمالی همچنان یکی از معضلات بزرگ مردم این کشور به حساب می‌آید. به گفته «گرهارد اورماخر» هماهنگ‌کننده کمک‌های غذایی آلمان به کره‌شمالی: «در بخش‌های گسترده‌ای از کشور همچنان مشکل نبود یا کمبود موادغذایی به چشم می‌خورد.» محصولات کشاورزی کره‌شمالی در سال‌جاری نسبت به سال گذشته ۹ درصد افزایش نشان می‌دهد اما نوزادان، کودکان، سالخوردگان و مادران بیوه هنوز هم از دریافت مواد ضروری خوراکی محروم هستند.

سازمان‌های کمک‌رسان با کمک کره جنوبی در تلاش برای یافتن چاره‌ای برای این وضعیت اقدام به ارسال نوعی خاص از سیب‌زمینی با نام «جواهر» کرده‌اند. این نوع سیب‌زمینی تنها در عرض چند هفته آماده برداشت است. به گفته اورماخر با این وجود مشکل کمبود شدید مواد پروتئینی از قبیل ماهی، گوشت قرمز و شیر و همین‌طور کمبود میوه و سبزیجات کماکان وجود دارد. ۲۰ تا ۳۰ درصد محصول نیز به دلیل انبارداری نامناسب فاسد می‌شود.

در کره‌شمالی رادیوی خانه‌ها و کارخانه‌ها باید در بیشتر ساعت‌های روز روشن باشد و دولت از همین طریق به مسوولان کارخانه‌ها و آپارتمان‌ها دستور داده است که با تعیین شیفت‌های اضافه برای کارکنان و ساکنان، مراقبت ویژه‌ای از مزارع سبزی به عمل آید. این مزارع با پرچم‌های قرمز مرزبندی شده‌اند و این پرچم‌ها به نوعی جنبه نمایشی و تبلیغی نیز دارند. اما همه این اقدامات تبلیغی نمی‌تواند بر واقعیت تلخ کمبودها سرپوش بگذارد. برپایه ارزیابی‌های نهادهای بین‌المللی، کره‌شمالی در سال‌جاری با نزدیک به ۴۱۴ هزار تن کسری مواد غذایی روبه‌رو است. به همین دلیل بود که پاسخ مثبت آمریکا برای ارسال کمک‌های غذایی به این کشور اهمیت بیشتری پیدا کرد. حاکمان پیونگ‌یانگ در پایان فوریه امسال با تعلیق فعالیت‌های اتمی خود و ورود بازرسان سازمان انرژی اتمی موافقت کردند و واشنگتن در اقدامی متقابل وعده داد که ۲۴۰هزار تن مواد غذایی شامل بسته‌های پروتئین و ویتامین به آن کشور ارسال کند. اما دولت آمریکا پس از تلاش نافرجام کره‌شمالی در پرتاب یک موشک دوربرد کمک‌های خود را متوقف کرد. جالب آنکه این بار حتی بزرگ‌ترین متحد کره‌شمالی یعنی چین نیز در شورای امنیت سازمان ملل از این اقدام پیونگ‌یانگ به شدت انتقاد کرد.

در کره شمالی رادیوی خانه‌ها و کارخانه‌ها باید در بیشتر ساعت‌های روز روشن باشد و دولت از همین طریق به مسوولان کارخانه‌ها و آپارتمان‌ها دستور داده است که با تعیین شیفت‌های اضافه برای کارکنان و ساکنان، مراقبت ویژه‌ای از مزارع سبزی به عمل آید

روابط با همسایه‌ای به‌نام چین برای پیونگ‌یانگ از اهمیتی حیاتی برخوردار است. بخش بزرگی از مواد غذایی کره‌شمالی توسط چین تامین می‌شود و علاوه بر آن طی ماه‌های اخیر دولت پکن میلیون‌ها نهال سیب به این کشور ارسال کرده است. پیش از این چین تعداد زیادی درختان پهن‌برگ و سوزنی نیز برای همسایه خود ارسال کرده بود که اخیرا سبز شده‌اند.

ظاهرا سراسر کشور باید جنگلکاری شود. در آن استانی که مردم درختان جنگل را به عنوان سوخت زمستانی استفاده کرده بودند بار دیگر تپه‌ها سبز می‌شوند تا به این صورت از رانش زمین جلوگیری شده و سطح قابل کشت تا ۲۰ درصد از نابودی نجات پیدا کند.

اما این تنها صادرات چین به کره‌شمالی نیست و امروزه در پیونگ‌یانگ ناگهان سر و کله خودروهای چینی پیدا شده است. به گفته یکی از دیپلمات‌های مقیم پیونگ‌یانگ صادرات اتومبیل‌های ساخت چین به کره‌شمالی در سال گذشته رشدی ناگهانی داشت و امروز فولکس واگن مدل پاسات (ساخت چین) و لیموزین‌های کهنه مرسدس نیز در این کشور دیده می‌شود. جالب آنکه باوجود تحریم‌ها مینی‌بوس‌ها و ماشین‌های اتاق‌دار مدرن ژاپنی نیز در کنار مرزهای چین در انتظار ورود به کره‌شمالی هستند.

با این وجود وسیله نقلیه شخصی به ندرت در این کشور دیده می‌شود. یکی از کارمندان وزارت خارجه می‌گوید: «مردم در اینجا هنوز به این چیزها عادت ندارند.» و این به معنای آن است که داشتن خودرو شخصی از نظر حکومت امر مطلوبی نیست. آن علامت‌گذاری و رنگ‌بندی خودروهای دولتی نیز موید همین نکته است: خودروهای سفید با ستاره سرخ ویژه اعضای دولت و حزب، خودروهای سفید بدون ستاره ویژه کارمندان عادی، خودروهای مشکی ویژه نظامیان، خودروهای آبی ویژه دیپلمات‌ها و سازمان‌های بین‌المللی و خودروهای قرمز ویژه اتباع خارجی که مقام رسمی ندارند به عنوان مثال بازرگانان چینی.

اگر چه شکاف و نابرابری میان کارگزاران حکومت و مردم کاملا آشکار است اما هیچ اعتراض و مقاومتی در این کشور مشاهده نمی‌شود. یکی از کمک‌رسانان خارجی می‌گوید: «در اینجا جامعه مدنی و طبقه روشنفکر و ادبیات و هنر وجود ندارد. به این‌ترتیب مقاومت و اعتراضی هم وجود ندارد.»

اما شگفت‌آور اینکه رهبر جدید کره‌شمالی توانست به سرعت پایه‌های حکومت خود را مستحکم کند. این جوان چاق کوتاه‌قد زمانی پیش از آغاز جشن‌هایی که به افتخار پدربزرگش برگزار می‌شد به عنوان دبیر اول حزب، فرمانده کل ارتش و مهم‌تر از آن به عنوان دبیر اول کمیسیون دفاع ملی برگزیده شد. در سیستم کمونیستی کره‌شمالی حزب کانون قدرت نیست بلکه این کمیسیون از قدرتی فوق‌العاده برخوردار است؛ کمیسیونی که یک دوجین اعضای آن از مردان سالخورده ارتش و حزب تشکیل شده‌اند.

به باور کارشناسان غربی کیم جونگ اون با کمک دستیار ۶۹ساله‌اش یعنی «ری یونگ هو» توانست بر تفوق این گارد پیر و کهنسال غلبه کند. در این میان «چو ریونگ هائه» نیز از نقشی کلیدی برخوردار است؛ همان مردی که در ماه آوریل به سمت رییس دفتر سیاسی حزب و همین‌طور به سمت مدیر دفتر سیاسی ارتش خلق منصوب شد.

این نظامی ۶۲ساله در مقایسه با آن سالمندان نشسته بر راس قدرت جوان به حساب می‌آید. از جمله این سالخوردگان می‌توان از «کیم یونگ نام» رییس فرمالیته کشور با ۸۱ سال سن نام برد. نخست‌وزیر و رییس پارلمان نیز ۸۱ساله هستند و جانشین رییس ستاد ارتش ۸۲ سال سن دارد.

این گارد پیر در جریان جشن سالروز در مقابل کتابخانه ملی از رژه نیروهای مسلح سان دیدند. اما نکته بارز این مراسم جای گرفتن مرد قدرتمند جدیدی به نام «چو ریونگ هائه» در اولین صندلی سمت راست حاکم جوان بود؛ جایگاهی که پیش از این به دیگران تعلق داشت. به گفته یکی از دیپلمات‌های خارجی: «این کار به معنای ارتقای جایگاه این فرد است.» پس از وی «چانگ سونگ تائک» قرار داشت. این مرد ۶۶ساله شوهر عمه کیم جونگ اون است که به این‌ترتیب دومین فرد نزدیک به وی به شمار می‌رود.

اما شاید شگفت‌انگیزتر از همه، نوع رفتاری بود که کیم جونگ اون در جریان این جشن‌ها از خود نشان داد. این حاکم جوان برخلاف پدرش نه تنها به میان مردم عادی رفت بلکه تابوی دیگری را نیز شکست و به طور مستقیم با مردم صحبت کرد. اگرچه شباهتی میان صدای این پسر با پدر وجود ندارد اما کیم جونگ اون نیز حرف تازه‌ای نزد و بیش از هر چیز این جمله را تکرار می‌کرد: «به همین صورت ادامه بدهید.»

منبع: اشپیگل

روزنه

چهره فراموش شده انقلاب مصر

آرمان محمودیان

■ «وائل غنیم» یکی از زارعان کشتزار انقلاب مصر بود. وائل ثمره واقعی یک طبقه متوسط بود. میل به تحصیلات عالی، جاه‌طلبی شغلی، اشتیاق به تحصیل در دانشگاه‌های خارجی همه و همه از صفات ممتاز بخش قابل توجه از این طبقه است. وائل ۲۳دسامبر ۱۹۸۰در قاهره به دنیا آمد. او در دورانی به‌دنیا آمد که مصر در آستانه طغیانی جدید بود؛ طغیانی که در آن سال همچون عطسه‌ای ناقص باقی ماند. وائل در اوج دوران نارضایتی‌ها از قرارداد «کمپ دیوید» به دنیا آمد؛ نارضایتی‌هایی که منجر به ترور «سادات» و بازداشت‌های عریض و طویل ناشی از آن شد. اندکی پس از تولد به دلیل شغل پدرش، با مصر وداعی موقت کرد. او پس از آن عازم شهر «ابها»ی عربستان شد؛ سفری که تا پایان ۱۳سالگی‌اش به طول انجامید. شاید گذراندن کودکی در کشوری که حکومتش سند کشور را به نام خود زده و نام خانوادگی خود را پسوند آن می‌گذارد، در وائل میل به طغیان علیه خودرایی حاکمان را نهفته باشد. وائل لیسانس خود را از دانشگاه قاهره در رشته مهندسی کامپیوتر گرفت و فوق لیسانس خود را در رشته بازاریابی و امور مالی از دانشگاه آمریکایی قاهره با اخذ رتبه ممتاز دریافت کرد. او از سال ۱۹۸۸وارد «گوگل» شد و به سمت مدیریت بازاریابی منطقه خاورمیانه «گوگل» رسید و به این ترتیب بار دیگر وطن خود را این بار به مقصد امارات ترک کرد. شاید در تمام این دوران در فکر این بود که مصر او نیز می‌تواند مانند خود او پله‌های ترقی را یکی پس از دیگری فتح کند. برای همین پس از آغاز انقلاب‌های عربی او دست به اولین دعوت از ملت مصر برای طغیانی علیه استبداد زد. او با افتتاح صفحه «کلنا خالد سعید»- همه ما خال سعید (جوانی که در اثر شکنجه پلیس درگذشت) هستیم-در «فیس‌بوک» از مصریان برای سر دادن شعار «الشعب یرید اسقاط نظام» برای اولین بار دعوت کرد. این وائل و جوانان مصری بودند که توانستند مبارک را از عرش سلطنت به فرش حصر خانگی بکشانند که مبارک آنها را جوانک‌های نابالغ می‌دانست. او با تنها ابزار خود یعنی وبلاگش یا به قول خود «یگانه اسلحه‌اش صفحه کی‌بورد» التحریر را از یک میدان به صحنه جنگ و از آن دژ استقامت برای دفاع از خون شهدا و آن دژ را به یک سیلاب برای آزادی یک ملت به قدمت تاریخ تبدیل کرد. وائل بلافاصله پس از آغاز انقلاب مصر در ۲۵ژوئن به مصر بازگشت و در ۲۸ این ماه توسط ماموران امنیتی بازداشت شد؛ بازداشتی که شهرت وائل گوگل را به او داد. بلافاصله پس از بازداشت او گوگل با ایجاد آگهی‌هایی همچون «أین وائل غنیم؟» و «کلنا وائل غنیم»، در جست‌وجوی وائل بود؛ جست‌وجویی که سبب شد او را بیشتر از آنکه با نام غنیم بشناسند با شهرت وائل گوگل به‌خاطر آورند. وائل به آنچنان شهرتی رسیده بود که دولت مجبور شد ۱۱روز بعد او را با سلام و صلوات آزاد کند. اما او حتی نتوانست سمت «سخنگو باشی» خود را حفظ کند. هرچند جوایز متعددی همچون مدال شجاعت جی‌اف‌کی یا جایزه خبرنگار آزاد را از دولت سوئد گرفت اما بعد از انقلاب مصر به دوبی رفت و در آنجا در کنار همسر آمریکایی و مسلمان خود به ادامه زندگی پرداخت و گذاشت تا به‌عنوان یک «آشپزباشی» در تاریخ باقی بماند.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
شرکت فناوری اطلاعات ایران

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی و مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۹۱/۶
به منظور خرید اثاثیه اداری (صندلی)

شرکت فناوری اطلاعات ایران در نظر دارد به منظور خرید اثاثیه اداری (صندلی) مورد نیاز خود نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران واجد شرایط با مشخصات ذیل و دریافت پیشنهادات آنان اقدام نماید لذا از کلیه متقاضیان شرکت در مناقصه می توانند با در نظر گرفتن شرایط ذیل نسبت به ارائه مدارک و پیشنهاد خود در زمان مقرر اقدام نمایند.

۱- مدارک مورد نیاز:
۱-۱- گواهی بهره برداری از وزارت صنعت و معدن و تجارت در زمینه موضوع مناقصه و دارای تاریخ معتبر
۱-۲- ارائه گواهینامه موقت ثبت نام مودیان مالیاتی در نظام مالیات بر ارزش افزوده در صورت ثبت نام در نظام مالیاتی مذکور
۱-۳- تصویر اساسنامه شرکت که در اداره ثبت شرکتها برابر اصل شده باشد.
۱-۴- تصویر روزنامه رسمی حاوی صاحبان امضا مجاز قرار داد و اسناد تعهدآور
۱-۵- نام ای یا امضا مدیرعامل شرکت پیشنهاد دهنده مبنی بر معرفی نمونه امضا صاحبان امضا مجاز قرارداد و اسناد تعهدآور
۱-۶- اسناد مورد نیاز برای ارزیابی کیفی
۱-۷- اسناد مناقصه به شرح مندرج در شرایط مناقصه

۲- بهای اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه: مبلغ ۱۵۰/۰۰۰ ریال قابل واریز به حساب سیبا به شماره ۲۱۷۴۸۲۹۰۰۲۰۰۰ نزد بانک ملی ایران شعبه آرمیتا و مبلغ ۷/۵۰۰ ریال بابت عوارض و مالیات بر ارزش افزوده قابل واریز به حساب شماره ۲۱۹۴۸۲۸۰۰۲۰۰۷ نزد بانک صادرات ایران شعبه میدان استقلال بنام مناقصه گزار (شرکت فناوری اطلاعات ایران)

۳- محل زمان و مهلت دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه:
۳-۱- محل دریافت و تحویل اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه: تهران - میدان آرژانتین - ابتدای خیابان بهیقی نبش خیابان شانزدهم ساختمان شماره ۱ سازمان فناوری اطلاعات ایران - طبقه چهاردهم جنوبی اداره خرید و قراردادها
۳-۲- زمان و مهلت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه: از تاریخ انتشار آگهی تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۱۳ باستثنا ایام تعطیل
۳-۳- زمان تحویل اسناد و مدارک ارزیابی کیفی و مناقصه: حداکثر تا ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۹۱/۳/۲۷

لازم به ذکر است در این مرحله کلیه متقاضیان گران می بایست مدارک و مستندات ارائه شده جهت احراز شرایط ارزیابی کیفی را مطابق بندهای شاخصهای ارزیابی تحویل شده به ترتیب تکمیل نموده و به همراه مدارک مندرج در بند ۱ این آگهی پس از مهر و امضا مجاز شرکت کننده در مناقصه مطابق مفاد مندرج در آخرین روزنامه رسمی برای امضا اسناد تعهدآور ارائه نمایند.
جهت دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه، ارائه معرفی نامه و اصل رسید پرداخت وجه بهای اسناد الزامی می باشد.
دریافت اسناد ارزیابی کیفی و مناقصه و تحویل مدارک هیچگونه حقی را برای متقاضیان ایجاد نخواهد کرد.
نکته: شرکت کنندگان پس از دریافت اسناد می توانند هر گونه سوال و نظر خود را درباره اسناد مزبور به آدرس فوق ارسال نموده و یا با شماره تلفن های ۸۴۸۰۳۴۵۷ (آقای باقری) و ۸۴۸۰۳۴۳۱ (آقای مصلحی) تماس حاصل نمایند.
نشانی پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات: http://IETS.MPORG.IR
نشانی سایت اینترنتی: WWW.ITC.IR
شرکت فناوری اطلاعات ایران